

بررسی چگونگی اعمال تعزیرات حکومتی در قرن هفتم هجری (بر اساس کتاب *مَعَالِمُ الْقُرْبَةِ فِي أَحْكَامِ الْحِسْبَةِ* از ابن اخوه)

علی اکبر عباسی^۱
آرمان فروهی^۲

چکیده

کتاب *مَعَالِمُ الْقُرْبَةِ فِي أَحْكَامِ الْحِسْبَةِ* اثر ارزشمند ابن اخوه است که در بردارنده اطلاعات مفیدی از اوضاع اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و قضایی مصر در عصر ممالیک است که تاکنون به شکل مستقل بررسی نشده است. این اثر در شناخت چگونگی نظارت حکومت بر بازار و اعمال تعزیرات حکومتی در قرون میانه اسلامی بسیار مهم است. نویسندگان در مقاله حاضر به معرفی و نقد این کتاب همت گماشته‌اند. بنابراین ابتدا شکل‌گیری نهاد حِسْبَة در تمدن اسلامی به صورت مختصر بررسی شده و در ادامه به معرفی نویسنده، مصحح و کتاب پرداخته شده است. همچنین ارزیابی کتاب *مَعَالِمُ الْقُرْبَةِ فِي أَحْكَامِ الْحِسْبَةِ* بخش پایانی مقاله را در بر می‌گیرد.

واژگان کلیدی: *مَعَالِمُ الْقُرْبَةِ فِي أَحْكَامِ الْحِسْبَةِ*، ابن اخوه، نهاد حِسْبَة، تاریخ‌نگاری اسلامی

مقدمه

تواریخ اقتصادی و اجتماعی در برابر تاریخ‌های سیاسی و نظامی، بخش کوچکی از روند تاریخ‌نگاری را شامل می‌شوند. البته در دهه‌های معاصر و به خصوص بعد از پیروزی انقلاب کبیر فرانسه و طرح

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان aa_abbasi_z@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد تاریخ اسلام arman.forouhi@yahoo.com

شعارهای برادری - برابری و تقسیم شادی میان همه مردم، به حوزه‌های تاریخ اجتماعی و اقتصادی و پرداختن به آنچه مربوط به توده مردم می‌شود، توجه فراوان شده و در این باب تألیفات زیادی در غرب و کم و بیش تألیفاتی در کشورهای اسلامی منتشر شده است. در دوران شکوفایی تاریخ‌نگاری اسلامی نیز با توجه به تنوع و گستردگی موضوعی که دارد، به جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی نیز پرداخته شده است. در تاریخ‌نگاری اسلامی، از منظر اقتصادی، صرف نظر از فارابی و تا حد کمتری ابن‌سینا، مسکویه، خواجه نصیرالدین طوسی و ابن‌خلدون نگاه ویژه‌ای به اقتصاد داشته‌اند. ابن‌خلدون در دیباچه خویش بر/العبر نوعی نظریه‌پردازی اقتصادی را در وجه ساختاری معرفی می‌کند؛^۱ البته با وجود تلاش‌های ابن‌خلدون، به علت فراهم نبودن شرایط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی دنیای اسلام مبانی مورد نظر او نتوانست در تحلیل گزارش‌های تاریخی به کار بیاید.^۲

کتاب *مَعَالِمُ الْقُرْبَةِ فِي أَحْكَامِ الْحَسْبَةِ* را می‌توان اثری تلفیقی در حوزه تاریخ اقتصادی و تاریخ اجتماعی قلمداد کرد. ابن‌خوئه این دو حوزه تاریخ‌نگاری را به ظرافت در کتاب خود، در کنار هم قرار داده است. معرفی مشاغل گوناگون، ترسیم سیمای بازار، نحوه درآمدزایی مشاغل از جنبه تاریخ‌نگاری اقتصادی و همچنین پرداختن به روابط اجتماعی خریدار و فروشنده، توجه به نوع تغذیه و بهداشت مردم عادی و در مجموع آنچه تحت عنوان نگارش تاریخ فرودستان و نقش اجتماعی آنان^۳ بیان می‌شود، از جنبه تاریخ‌نگاری اجتماعی در این کتاب تبلور پیدا کرده است. در کشورهای اسلامی، حکومت‌ها با توجه به تأکید دین اسلام بر سلامت روابط اقتصادی، توجه ویژه‌ای به بازار و قواعد و مقررات اقتصادی داشتند. تأثیر پیامدهای نامطلوب آشفته‌گی اقتصادی و بی‌ثباتی وضع بازار بر امنیت جامعه سبب شده بود که حکومت، افرادی را به عنوان محتسب برای اجرای تعزیرات حکومتی انتخاب کنند. تعزیر از ریشه «عزر» به معنی تأدیب کردن می‌باشد که در حکومت اسلامی با توجه به شرایط جامعه و برای حفظ مصالح عمومی و برخورد با محتکرین و اختلال گران اقتصادی، مجازات‌هایی وضع می‌گردد که از این مجازات‌ها با عنوان تعزیرات حکومتی یاد می‌شود. این کتاب در راستای ارائه روشن این مسئله و نمایانگر نیاز رو به رشد اندیشمندان اجتماعی به قاعده‌مند کردن فعالیت‌های تجاری از دیدگاه حمایت از مصالح عامه می‌باشد در این مقاله برآنیم تا مباحث غیر متعارف اقتصادی و نهاد حسبه را - با توجه به کتاب *مَعَالِمُ الْقُرْبَةِ* - که کمتر در تواریخ عمومی پیدا می‌شود، مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم.

۱. رضوی، «درآمدی بر تاریخ‌نگاری اقتصادی»، دوفصلنامه پژوهش‌های تاریخی دانشگاه سیستان و بلوچستان، ص ۱۱۳.

۲. برای اطلاع بیشتر نک: طباطبائی، *ابن‌خلدون و علوم اجتماعی*، وضعیت علوم اجتماعی در تمدن اسلامی، ص ۱۴۵-۵۴.

۳. هج، «تاریخ اجتماعی»، ترجمه حسن زندیه، فصلنامه تخصصی تاریخ اسلام، ص ۱۶۲.

نگاهی گذرا به شکل‌گیری نهاد حسبه در تمدن اسلامی

حسبه از ریشه «حَسَبَ» به معنی شمردن و حساب است؛^۱ همچنین کاربردهای زیادی از جمله: انجام دادن کاری برای رضای خدا، نیکویی در تدبیر و اداره امور، خبرجویی و تجسس برای آن ذکر شده است.^۲ خاستگاه و سرمنشاء نهاد حسبه را باید در عصر پیامبر (ص) و خلفای راشدین دانست که شخصاً به نظارت و بازرسی بازارها اقدام می‌کردند.^۳ البته در این دوران بیشتر رفتارهایی که بعدها به عنوان حسبت شناخته می‌شده، صورت می‌گرفته و شکل یک سازمان حکومتی را نداشته است. نهضت حیات اقتصادی در قرون میانه اسلامی، وجود تقلب‌ها و خیانت‌هایی که برخی از افراد به آن دست می‌زدند و همچنین تمایل حکومت به مبارزه با این اعمال ناپسند، از عوامل ایجاد سازمان حسبه بود.^۴ در اواخر دوره امویان، نشانه‌های اندکی از کاربرد واژه حسبه به معنی نظارت بر بازارها وجود دارد، اما آغاز حسبه به عنوان یک نظام اداری نوپا به آغاز حکومت عباسیان و به احتمال قوی عصر منصور عباسی (۱۵۸-۱۳۶ هـ ق) باز می‌گردد.^۵ در این دوره نهاد حسبه، مهم‌ترین دستگاه رسمی بوده است که با تشکیلات اصناف رابطه مستقیم داشته و محتسب از سوی دولت، ماموریتی دینی، اجتماعی و اقتصادی در قبال مردم عهده‌دار بود.^۶

نقش نهاد حسبه در تشکیلات اداری جوامع اسلامی، نقش نظارتی و نه اجرایی تعریف شده است و تنها محتسب وظیفه نظارت بر اجرای قوانین اسلامی را داشته و مجازات خطاکاران بر عهده نهادهای کیفی و قضایی دیگری مانند مظالم، شرطه، قضا و نقابت بوده است.^۷ در سایر دولت‌های اسلامی نیز، نهاد حسبه و محتسب وجود داشته است. محتسب در دولت موحدون (۶۶۸-۵۲۴ هـ ق) به مسئول بازار،^۸ در دولت اغلیبان (۹۰۹-۸۰۰ هـ ق) به صاحب السوق و صاحب احکام^۹ و در آندلس به بازاربان^{۱۰} معروف بوده است.

معرفی نویسنده و مصحح

ابن اخوه یا ابن اُخوه، محمد بن محمد بن احمد بن ابی زید قرشی (۶۴۸-۷۲۹ هـ. ق/ ۱۲۵۰-۱۳۲۹ م) از محدثان و فقیهان برجسته بود. ابن اخوه، در مقدمه کتاب خود را در فروع پیرو فقه شافعی و در اصول اشعری

پروژه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مرکز مطالعات و تحقیقات علمی

۱. دهخدا، لغت نامه، جلد ۶، ص ۴۱۷
۲. ابن منظور، لسان العرب، ص ۱۶۴
۳. کتانی، نظام اداری مسلمانان در صدر اسلام، ص ۱۴۱.
۴. شیخلی، اصناف در عصر عباسی، ص ۱۱۷.
۵. بادکوبه هزاوه، «اولین نشانه‌های نهاد حسبه در سرزمین‌های اسلامی»، فصلنامه تخصصی تاریخ اسلام، ص ۱۳۱.
۶. شیخلی، اصناف در عصر عباسی، ص ۱۱۸.
۷. ولایتی، فرهنگ و تمدن اسلامی، ص ۱۰۹.
۸. عمر موسی، دولت موحدون در غرب جهان اسلام «تشکیلات و سازمان‌ها»، ص ۱۸۸.
۹. عودی، تاریخ دولت اغلیبان در افریقیه و صقلیه، ص ۲۲۱.
۱۰. حسن، تاریخ سیاسی اسلام، ص ۹۰۱.

ذکر کرده است.^۱ محل تولد ابن مورخ به طور دقیق مشخص نیست، ولی با توجه به توضیحات دقیق و مفصلی که در مورد اختلاف کمیت واحد رطل (پیمانه) در شهرهای مختلف مصر می‌آورد، این احتمال شکل می‌گیرد که وی مصری بوده است؛^۲ همچنین عدم وجود اطلاعات مشابه درباره سایر کشورهای اسلامی، احتمال مصری بودن وی را تقویت می‌کند. ابن اخوه، کتاب معروف صحیح مسلم را از رشیدالدین (یحیی بن علی) عطار و ابومضّر استماع کرده است با توجه به سال تولد ابن اخوه و وفات رشیدالدین عطار در ۶۶۲ هـ ق، وی پیش از ۱۴ سالگی به تحصیل حدیث پرداخته است.^۳

دوران زندگی ابن اخوه با حیات سیاسی دولت ممالیک بحری^۴ متقارن بوده است. در دوران سلطان بیبرس (۶۷۶-۶۵۸ هـ ق) مهم‌ترین دگرگونی در نظام قضایی دولت ممالیک رخ داد که براساس آن برای هر مذهبی از مذاهب چهارگانه اهل سنت، قاضی القضاتی تعیین شد، اما ریاست قضایی بر این مذاهب در دست شافعیان باقی ماند.^۵ این امر تأثیر بسزایی در قدرت‌گیری شافعیان در منصب قضاوت و نهاد حسبه داشت.

تنها اثری که از ابن اخوه باقی مانده، کتابی در موضوع حسبت با عنوان *مَعَالِمُ الْقُرْبَةِ فِي أَحْكَامِ الْحَسْبَةِ* است که در سال ۱۹۳۸ میلادی با تلاش روبن لوی^۶ براساس چهار نسخه خطی همراه ترجمه انگلیسی آن در دانشگاه کمبریج به چاپ رسیده است. نسخه عربی این کتاب به تحقیق محمد محمود شعبان و صدیق احمد عیسی مطیعی در ۱۴۰۸ هـ ق در قاهره و در ایران نیز برای اولین بار به زبان فارسی به وسیله بنیاد فرهنگ ایران در سال ۱۳۴۷ به طبع رسیده است.

اگرچه کتاب *مَعَالِمُ الْقُرْبَةِ* در چند باب آغازین به خصوص باب اول، با بخش مربوط به حسبت از کتاب احکام السلطانیة ماوردی قرابت ملاحظه‌ای دارد، ولی باید در نظر داشت که آثار ماوردی و قاضی ابویعلی نظری بوده و با اثر ابن اخوه تفاوت اساسی دارد.^۷ کتاب *مَعَالِمُ الْقُرْبَةِ* را می‌توان ادامه و تفضیل نهایی رتبه فی طلب الحسبه از عبدالرحمن شیزری شامی دانست؛ با این تفاوت که از دیدگاه یک مصری نوشته شده است.^۸

۱. ابن اخوه، *مَعَالِمُ الْقُرْبَةِ فِي أَحْكَامِ الْحَسْبَةِ* (اثین شهرداری در قرن هفتم هجری)، ص ۴۳.

۲. برای اطلاع بیشتر از واحد پیمانه در شهرهای مختلف مصر، نک: ابن اخوه، ص ۹۸.

۳. پاکتچی، مدخل «ابن اخوه»، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، ۷/۱۵۶.

۴. سلاطین مملوک در طی دوران حکمرانی خود ۹۲۳-۶۴۸ هـ ق به دو گروه متمایز سلطان‌های بحری و سلطان‌های برجی تقسیم می‌شدند. بحریان، از نژاد ترکان قبیچاق که نگهداران و پاسداران ایوبیان بودند و اردوگاه آنها در جزیره روضه در رود بحر نیل بود و برجیان، از نژاد چرکس‌های نواحی مسیحی نشین شمال قفقاز، کسانی بودند که سلطان قلاوون به عنوان پاسداران خویش، آنها را در ارگ قاهره برج جای داده بود. باسورث، *سلسله‌های اسلامی جدید، راهنمای گاهشماری و تبارشناسی*، ص ۱۶۱.

۵. شبارو، *دولت ممالیک و نقش سیاسی و تمدنی آنان در تاریخ اسلام*، ص ۱۴۸.

6. Reuben Levy

۷. پاکتچی، همان.

۸. کاهن، مدخل «ابن اخوه»، *دانشنامه ایران و اسلام*، ۴/۴۱۱.

دکتر جعفر شعار (۱۳۸۰-۱۳۰۴ هـ ش) دوره‌های تحصیلات مقدماتی و سطح عالی را تا مقطع دکتری زبان و ادبیات فارسی ادامه داد و پس از آن به مدت ۱۸ سال و تا مرتبه استادی در دانشسرای عالی (دانشگاه تربیت معلّم) به تدریس پرداخت.^۱ از دکتر جعفر شعار، بیش از سی تألیف، ترجمه و تصحیح متون تاریخی و ادبی به یادگار مانده است. از جمله این آثار می‌توان به تصحیح و شرح ترجمه تاریخ یمنی (رساله دکتری)، ترجمه سفرنامه ابن حوقل و تاریخ سنی ملوک الارض و الانبیاء از حمزه اصفهانی، تصحیح تاریخ به ناکتی و سیاست‌نامه خواجه نظام الملک طوسی اشاره کرد.^۲

دکتر شعار همانند سایر آثار خود، ترجمه کتاب معالم القربه را با نهایت دقت انجام داده است. ترجمه تحت اللفظی عنوان کتاب «نشانه‌های قربت درباره احکام حسبیه» می‌باشد که مترجم کتاب را با عنوان «آئین شهرداری در قرن هفتم هجری» ترجمه کرده است. با توجه به محتوای کتاب عنوان انتخاب شده مناسب به نظر می‌رسد. شیوه کار وی بدین صورت بوده است که کلمات دشوار عربی موجود در هر باب را در پایان همان باب - قسمت یادداشت‌ها- با کمک فرهنگ‌های لغات فارسی و عربی شرح و توضیح داده است؛ که این امر در درک صحیح متن و و فراگیری آن بسیار مؤثر است. وی در قسمت یادداشت‌ها، آیات قرآن مجید و احادیث پیامبر (ص) را که در متن آمده است را به زبان عربی نگارش کرده است و همچنین اصطلاحات فقهی را نیز با کتاب نهائیه الرتبه شیخری مطابقت داده است.^۳ با وجود آنکه ابن‌اخوه، مطالب درون باب‌های کتاب را با عنوان «فصل» از یکدیگر جدا کرده است، ولی دکتر شعار برای سهولت استفاده از مطالب، براساس محتوا عنوان متناسب برای هر یک از فصول در ذیل ابواب مشخص کرده است. از نقاط قوت ترجمه دکتر شعار، افزودن اطلاعاتی در باب جغرافیای تاریخی شهرهای ذکر شده در متن و همچنین آوردن ابیات متناسب با موضوع است. ابیات متعددی از حافظ، خاقانی و سوزنی در این قسمت وجود دارد که یک‌نواختی متن را از بین برده و بر جذابیت کتاب افزوده است. به طور نمونه ابن‌اخوه در باب پنجاه و یکم «قاضیان و گواهان» از لباس فقیه سخن گفته و این که کلوته (کلاه گوشه‌دار) نباید بر سر بگذارند و شعار در قسمت یادداشت‌ها بیتی از سوزنی در این ارتباط آورده است:

صوفی شدی زخوف سیه شد لباس تو / علوم انسانی / علم جامع علوم انسانی / چون صوفیان کلوته به سر بر عقیق رنگ^۴

شرح کتاب

کتاب شامل یک مقدمه و هفتاد باب است و ابن‌اخوه در همان آغاز نوشتار در مقدمه، با این سخن در پی متمایز ساختن حرفه خود از سایر مناصب است:

«ستایش خدای راست که جانداران را بیافرید... و روزی و اجل مردمان را قسمت کرد و هر کدام را

۱. شعار و دیگران، شناخت نامه و مجموعه مقالات دکتر جعفر شعار، ص ۲۱.

۲. برای اطلاع کامل‌تر از آثار دکتر جعفر شعار، نک: همان، ص ۴۱۸-۴۳۰.

۳. برای نمونه نک: ابن‌اخوه. نسخه فارسی، ص ۱۰۰-۱۱۶-۱۴۹.

۴. نمونه دیگر نک: همان، ص ۲۳۵.

منزلتی و رتبه‌ای داد و منصب قضا و حسبت را از میان مناصب متمایز ساخت. او را می‌ستایم تا ما را از اهل قربت [اشاره به نام کتاب] سازد و گواهی می‌دهم خدایی جز او نیست»^۱.

ابن اخوه هدف از نوشتن کتاب را گردآوری سخنان دانشمندی که در مورد محتسب و جایگاه آن در جامعه اسلامی سخن به میان آورده‌اند، ذکر می‌کند.^۲ وی همچنین در ادامه مقدمه شرح می‌دهد که مطالعه کتاب را با داستان آمیخته است تا خردمندان و دانشمندان به مطالعه آن رغبت کنند. وی در باب نخست کتاب، شرایط حسبت و وظایف محتسب و وجوه اشتراک و افتراق قاضی و محتسب را شرح می‌دهد. ابن اخوه، آراستگی ظاهری، رعایت فرایض و مستحبات شرعی، پاکدامنی و برخورد مناسب با مردم را از شرایط برگزیده شدن به عنوان محتسب ذکر می‌کند.^۳ در باب دوم، نویسنده جایگاه امر به معروف و نهی از منکر و انواع آن را در میان احکام دین شرح و احادیث و روایات متعددی را در این زمینه از پیامبر (ص) و خلفای راشدین ذکر می‌کند. همچنین عمل نکردن به این دو فریضه را موجب شیوع گمراهی و تباهی، ویرانی شهرها و هلاکت بندگان می‌داند.^۴ باب سوم و چهارم کتاب و پنجم کتاب، وظایف محتسب نسبت به ابزارهای حرام و شراب و همچنین نسبت به اهل ذمه و اولیای مردگان را شرح می‌دهد. ابن اخوه در باب «در معاملات ناروا» به نحوه برقراری معامله و قرارداد صحیح بین افراد می‌پردازد و معامله با بچه و بنده و نابینا و دیوانه را صحیح نمی‌داند؛ همچنین مقابله با محتکر، رباخوار و فروشنده‌ایی که به ناصحیح به تعریف از کالا می‌پردازد، را از وظایف محتسب شمرده است. حقوق متقابل میان شهروندان و وظایف محتسب نسبت به آن‌ها در شهر از جمله مطالبی است که نویسنده در باب هشتم «در حسبت بر کارهای ناشایسته بازاریان» اشاره می‌کند. به محتسب گوشزد می‌کند که باید در نهایت دقت به محل‌های عبور و مرور مردم حساس باشد و کسی نباید در مسیرهای تنگ، اسب خود را ببندد و زباله بیندازد.^۵

در شناخت محل زندگی نویسنده کتاب، باب نهم و دهم کتاب «در باب اندازه، قنطار، رطل و مثقال و درهم» و «در شناخت ترازو و پیمان» از ابواب مهم به شمار می‌رود. در این فصل ابن اخوه از میزان تقریبی قنطار، مثقال، درهم و شناختن ترازو و پیمان در شهرهای مصر سخن گفته است و همچنین میزان تقریبی رطل اسکندریه، فیوم و بلیس را بیان می‌کند. در ادامه ابن اخوه، موارد کم‌فروشی که ممکن بود در ترازو و پیمان صورت بگیرد را شرح می‌دهد و از محتسب می‌خواهد که «هرگاه کسی خیانت کرد، او را در ملاعام

۱. ابن اخوه، *معالم القرية فی احکام الحسبه*، تحقیق محمد محمود شعبان، مقدمه.

۲. همان، نسخه عربی، ص ۴۶.

۳. همان، نسخه فارسی، ص ۵۳-۵۵.

۴. همان، نسخه فارسی، ص ۵۶.

۵. همان، نسخه فارسی، ص ۹۴.

۶. قنطار حدود ۱۲۰۰ اوقیه است و اوقیه معادل ۷ مثقال امروزی؛ متعارف میان مردم و اطباء وزن ۱۰ درهم می‌باشد. دهخدا، لغت‌نامه، ۳/۳۱۳۱.

تعزیر کند تا دیگران بدان عبرت گیرند»^۱.

ابن اخوه در باب‌های ۱۱ تا ۵۰ وظایف محتسب نسبت به مشاغل و حرف مختلف از جمله آسیابانان، طبّاخان، نانوايان، عطاران، فروشندگان، مودنان و... را توضیح می‌دهد. نویسنده در متن این ابواب به ظرافت، توجه به استفاده از مواد غذایی سالم و تازه توسط تهیه‌کننده غذاهای گوناگون، حضور در محل تهیه غذا، کسب مهارت جهت تشخیص غذای بی‌کیفیت، آشنایی با ترفندهای افراد سودجو برحسب نوع غذا را شرح می‌دهد. در باب پنجاهم کتاب، در مورد حدود و تعزیرات، شیوه برخورد با افراد خاطی و نحوه مجازات آنان سخن گفته و مراتب حسبت را این‌گونه شرح می‌دهد:

«مراتب حسبت نخست نهی و دوم وعظ و سوم منع و بیم دادن است و عقوبت در برابر خطای گذشته و منع درباره عمل حاضر است و افراد مردم جز منع که از میان بردن کار نارواست، وظیفه‌ای ندارند و عقوبت و بیم دادن وظیفه کارداران است»^۲.

بعد از باب پنجاهم کتاب به شکل سابق ادامه پیدا می‌کند و وظایف محتسب نسبت به مشاغل دیگر مانند قاضیان، امیران، کشتی‌بانان، کاه‌فروشان، نمدمالان و... را شرح داده می‌شود. با توجه به باب پنجاهم که موضوع آن با ابواب ۱۱ تا ۴۹ متفاوت است، به نظر می‌رسد کتاب در دو مرحله نگارش شده است.

باب پنجاه و سوم، با عنوان «وظایف محتسب» بار دیگر ابن اخوه، نظارت دقیق بر بازار را بر محتسب تأکید می‌کند. ابن اخوه به شکل سابق تا باب هفتماد، به تفصیل به موارد سودجویی و تقلب فروشندگان خاطی و نحوه برخورد محتسب با آن‌ها اشاره می‌کند. آخرین باب کتاب «در شرح باقی امور حسبت»، نویسنده پس از اطلاع در مورد سقایان و برنج‌فروشان، در یکی از آخرین جملات کتاب از محتسب می‌خواهد که «لازم است در موارد شبهه آلود از دانش خود یاری جویی، زیرا خاموشی در برابر بدعت، خشنودی به آن است و باز نداشتن از آن همانند فرمان دادن به ارتکاب بدعت است»^۳. ابن اخوه، همچنین با وجود آن که وظایف محتسب نسبت به بیش از هشتاد شغل را ذکر می‌کند ولی این‌گونه کتاب را پایان می‌برد:

«اما شرح این سخن به درازا می‌کشد، زیرا کارهای ناروا قابل شمارش نیست و به همین اندازه بسنده می‌کنیم و از خدا می‌خواهیم که ما را یاری و توفیق دهد تا از همه این امور در امان باشیم»^۴.

ارزیابی کتاب

از محتوای کتاب چنین بر می‌آید که وی محتسب سخت‌گیر و در عین حال با تجربه‌ای بوده است که علاوه بر آگاهی جوانب نظری و عملی فقه؛ به ترفندها و تقلب‌های ناروایی که ممکن بود، صورت بگیرد، اشراف کامل داشته است. البته شیوه‌های سودجویی در آن زمان بیشتر بوده یا تصور مؤلف این چنین بوده و

۱. همان، نسخه عربی، ص ۱۴۷.

۲. همان، نسخه فارسی، ص ۲۲۴.

۳. همان، نسخه عربی، ص ۳۵۱.

۴. همان.

همان گونه که خود وی شرح می‌دهد: «هرگاه بیم آن نبود که بی دینان و دونان انواع تقلبات را فرا گیرند و در طعام تقلب‌ها کنند، در باب تقلب و تدلس آن بیش از این شرح می‌دادم»^۱. کتاب بدون نظم و ترتیب خاصی نوشته شده است. ابواب کتاب را از لحاظ محتوا می‌توان به دو بخش، قواعد و معیارهای حسبت و وظایف محتسب درباره مشاغل متعدد تقسیم کرد.

شیوه کار این اخوه در اثرش این گونه است که ابتدا موارد کم‌فروشی و تقلب را به شکل مثال و عینی توضیح داده و در ادامه ترفندهایی که سبب تشخیص اجناس و اغذیه بی کیفیت می‌شد، را یادآوری و در نهایت این نکته را به محتسب گوشزد می‌کند که به دقت بر همه امور نظارت و بازرسی داشته باشد. نویسنده نگارش کتاب را یک نوع وظیفه با توجه به شرایط زمان خود بیان می‌کند که در آن مردم همچون چارپایان به پیروی از هوای نفس و شهوات تن در داده‌اند و در ادامه، هر فردی که به اصلاح جامعه بپردازد را محتسب می‌داند و «به سبب قصد تقرب به بالاترین درجات تقرب می‌رسد»^۲.

ابن اخوه به فراخور موضوع سعی کرده است از آیات قرآن، احادیث پیامبر (ص) و خلفای راشدین و همچنین حکایات تاریخی از حوادث صدر اسلام و اشعار در متن استفاده کند؛ در مسائل فقهی نیز نویسنده مطالبی از ماوردی و غزالی نقل کرده است. احترام به حقوق شهروندی از مسائلی است که در سرتاسر متن وجود دارد و نویسنده به زیبایی نکاتی را تبیین ساخته است که نمونه از این مسئله را این گونه بیان می‌دارد: «شارع مشترک المنفعه است و کسی حق ندارد منفعت آن را به خود اختصاص دهد جز به قدر احتیاج و نیز جایز نیست انداختن زباله‌ها به راه‌ها و آب پاشیدن راه که در آن بیم لغزیدن و افتادن باشد و...» که همه این کارها بر عموم مردم ناشایست است»^۳.

ابن اخوه در باب نهم و دهم کتاب علاوه بر اطلاعات جامعی که در مورد تاریخچه اوزان و پیمانان در سرزمین خود می‌دهد، توضیحات مفصلی نیز در مورد شکل‌گیری ترازو و ذراع ارائه داده است.^۴ از نکات جالب توجه در کتاب معالم القربه این است که مولف در آن بر حقوق حیوانات و عدم آسیب رساندن بر آنها تاکید و همچنین توجه به نکات بهداشتی و پزشکی را متذکر می‌شود.^۵ توجه به بهداشت در شهر نشان از این مسئله دارد که امنیت، آرامش و شهرنشینی در مرحله از رونق بوده است. نویسنده همچنین از اطلاعات تاریخی صحیحی برخوردار بوده است؛ وی قاضیان برجسته صدر اسلام و تاریخچه ضرب سکه را در ابواب مرتبط بیان کرده است. ابن اخوه در باب بیست و سوم و بیست و چهارم، از بیش از صد نوع شربت و حلوا نام می‌برد و انواع تقلبات و کم‌فروشی مرتبط با آن را ذکر می‌کند که این امر نشان از تسلط و تجربه وی بر این مسائل است.

۱. همان، نسخه فارسی، ص ۱۲۸.
۲. همان، نسخه عربی، ص ۶۱.
۳. همان، نسخه فارسی، ص ۹۵.
۴. برای اطلاع بیشتر، نک: همان، ص ۹۷-۱۰۱.
۵. برای اطلاع بیشتر نک: همان، ص ۹۵-۱۱۱-۱۲۱.

نویسنده از بی‌توجهی به برخی از علوم از جمله پزشکی در کتاب خود شکایت می‌کند و علت آن را این گونه بیان می‌دارد:

«پزشکی واجب کفایی است و در این زمان کسی از مسلمانان به آن نمی‌پردازد جز اهل ذمه. کسی را نمی‌بینم که دانش پزشکی را فرا گیرد، اما در علم فقه به خصوص مسائل اخلاقی و جدلی غور می‌کنند و شهر پر از فقهای است که سرگرم فتوی هستند. سبب این غفلت جز این نتواند بود که علم طب مانند علم فقه وسیله به دست گرفتن قضا و فرمانروایی و صاحب مقام بودن و بر دیگران برتری جستن و غلبه بر رقیبان نیست. دریغا که دانش دین برافتاده است! از خدا می‌خواهم که ما را از این غرور و گمراهی بازگرداند»^۱.

مطالب برخی از ابواب کتاب با عنوانی که ابن اخوه بر آن باب گذاشته است، مطابقت نمی‌کند. نمونه آن، باب پنجاه و یکم «قاضیان و گواهان» که در بخشی از آن از بازی شطرنج، آوازخوانی و نگهداری کبوتر سخن به میان آورده است. نویسنده در برخی از توضیحات، قضاوت‌ها و نتیجه‌گیری یک طرفانه انجام داده است و که نمونه آن در باب چهل و هشتم «در حسبت واعظان»، باب چهل و نهم «در حسبت بر منجمان و نامه‌نگاران» و باب چهل و دوم «در حسبت بر گرمابه‌ها و بیان سود و زیان گرمابه» نگارش شده و در مورد واعظان اشاره دارد که: «در روزگار ما واعظ جز برای انجام دادن مراسم مردگان یا عقد زناشویی مناسب نیست»^۲. یا در مورد ستاره‌شناسی بیان می‌کند که: «علم ستاره‌شناسی براساسی نیست، بلکه دامی برای کسب روزی است»^۳. البته باید بین افراد اهل احکام نجوم و اهل علم نجوم تفاوت قائل شد. در اسلام از سوی بزرگان این دین بر علم نجوم و رصد ستارگان و سیارات تأکید شده است، ولی ارائه پیش‌گویی منجمین و آنچه که که احکام نجوم خوانده می‌شود، مذموم بوده و هست^۴. همچنین در ارتباط با زمان به گرمابه رفتن، اشاره می‌کند که: «نزدیک غروب به گرمابه رفتن مکروه است، زیرا هنگام پراکنده شدن شیاطین است»^۵. ابن اخوه نظر چندان مساعدی در مورد اهل ذمه ندارد و در مورد یهودی و نصاری شرح می‌دهد که در گفتار و کردار تظاهر می‌کنند و «روزگار خوی شیطانی آنان را که به دست پادشاه وقت استوار شده، آشکار ساخته است»^۶. در مجموع مطالب کتاب حاضر خواننده را با خود به بازارهای اسلامی در قرن‌های هفتم و هشتم هجری می‌برد و به او نشان می‌دهد که اصناف شرقی تا چه حد مقهور دستگاه‌های غیرصنفا بوده‌اند^۷. این کتاب همچنین برخی از ویژگی‌های تاریخی زندگی شهری و نظارت دستگاه‌های

۱. همان، نسخه عربی، ص ۲۵.

۲. همان، ص ۲۷۱.

۳. همان، ص ۲۷۵.

۴. عباسی، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، ص ۸۰.

۵. ابن اخوه، نسخه عربی، ص ۲۴.

۶. همان، نسخه فارسی، ۷۵.

۷. اشرف، «برخی از ویژگی‌های تاریخی زندگی شهری و سازمان‌های صنفا در دوره اسلامی»، مجله راهنمای

حکومتی را بر جزئیات امور را تا حدی روشن می‌کند و خواننده را با مشاغل سده‌های گذشته آشنا می‌سازد.

منابع

- ابن اخوه، محمد بن محمد بن احمد بن زید قرشی، *معالم القریه فی احکام الحسبه*، تحقیق محمد محمود شعبان، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۸ ق.
- ابن اخوه، محمد بن محمد بن احمد بن زید قرشی، *معالم القریه فی احکام الحسبه* (أئین شهرداری در قرن هفتم هجری)، ترجمه جعفر شعار، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷، چ ۳.
- ابن منظور، جمال‌الدین محمد بن کرم، *لسان العرب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
- اشرف، احمد، «برخی از ویژگی‌های تاریخی زندگی شهری و سازمان‌های صنفی در دوره اسلامی»، *مجله راهنمای کتاب*، سال دوازدهم، ش ۵۶، مرداد و شهریور ۱۳۴۸، ص ۲۵۰-۲۵۷.
- بادکوبه هزاوه، احمد، «اولین نشانه‌های نهاد حسبه در سرزمین‌های اسلامی»، *فصلنامه تخصصی تاریخ اسلام*، سال دوم، ش ۷، ۱۳۸۰، صص ۱۲۵-۱۳۶.
- باسورث، کلیفورد ادموند، *سلسله‌های اسلامی جدید، راهنمای گاهشماری و تبارشناسی*، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۱.
- پاکتچی، احمد، مدخل «ابن اخوه»، *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، ج ۶، تهران، انتشارات دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۸.
- حسن، ابراهیم حسن، *تاریخ سیاسی اسلام*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، بدرقه جاویدان، ۱۳۸۸، چ ۳.
- دهخدا، علی‌اکبر، *لغت نامه*، ج ۳-۶، تهران، مؤسسه انتشارات لغت نامه و دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
- رضوی، سید ابوالفضل، «درآمدی بر تاریخ‌نگاری اقتصادی»، *دوفصلنامه پژوهش‌های تاریخی دانشگاه سیستان و بلوچستان*، ش ۵، پاییز و زمستان ۱۳۸۸، صص ۹۳-۱۱۸.
- شبارو، عصام محمد، *دولت مالیک و نقش سیاسی و تمدنی آنان در تاریخ اسلام*، ترجمه شهلا بختیاری، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۳، چ ۳.
- شعار، محمدرضا و دیگران؛ *شناخت نامه و مجموعه مقالات دکتر جعفر شعار*، تهران، قطره، ۱۳۹۱.
- شیخلی، صباح ابراهیم سعید، *اصناف در عصر عباسی*، ترجمه هادی عالم زاده، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲.
- صدیقی، محمد نجات الله، «بررسی کوشش‌های اخیر پیرامون مطالعه تاریخ تفکر اقتصادی در اسلام»، در کتاب *عقاید اقتصادی اندیشمندان مسلمان*، به کوشش ابوالحسن محمد صادق و عیدیت غزالی، ترجمه احمد شعبانی، تهران انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۵.
- طباطبائی، سید جواد، *ابن‌خلدون و علوم اجتماعی*، وضعیت علوم اجتماعی در تمدن اسلامی، تهران،

طرح نو، ۱۳۷۹.

- عباسی، علی اکبر، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، تهران، هزاره ققنوس، ۱۳۹۰.
- عمرموسی، عزالدین، دولت موحدون در غرب جهان اسلام «تشکیلات و سازمان‌ها»، ترجمه صادق خورشاه، قم پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۱.
- عودی، ستار، تاریخ دولت اعلیایان در افریقیه و صقلیه، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۵.
- قاضی زاده، کاظم، مدخل «تعزیر»، دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، ج ۷، تهران، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، ۱۳۸۲.
- کاهن، کلود، مدخل «ابن اخوه»، دانشنامه ایران و اسلام، زیر نظر احسان یارشاطر، ج ۳، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۲۵۳۵.
- کتانی، عبدالحی، نظام اداری مسلمانان در صدر اسلام، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۴.
- ولایتی، علی اکبر، فرهنگ و تمدن اسلامی، قم، دفتر نشر معارف اسلامی، ۱۳۹۱، ج ۴۴.
- هج، جین، «تاریخ اجتماعی»، ترجمه حسن زندیه، فصلنامه تخصصی تاریخ اسلام، سال دوازدهم، ش ۲ (بهار و تابستان ۱۳۹۰)، ص ۱۶۱-۱۸۲.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی